

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مکتوب سرکشاده از:

دوکتور رحمت زیرکیار (محقق آزاد)

۸ اگست ۲۰۰۸

درخواست برای صلح

تاریخ به ما میگوید که عملیات ضد قیام مردمی به ندرت موفق میشود. از تجربه قیام امریکای قرن ۱۸ که علیه برتانیه می جنگیدند تا جاپانی ها، جنگ های داخلی هسپانیه و یونان، جنگ های پارتیزانی مردم یوگوسلاویا علیه آلمان نازی، تجربه فرانسه و امریکا در ویتنام و اخیراً تجربه شوروی در افغانستان، ما می آموزیم که هیچ راه حل نظامی برای مقابله با قیام کنندگان موجود نیست.

پروفیسور رابرت پیپ (Professor Robert Pape) در پوهنتون شیکاگو ارقام تجربی وسیعی را سر هم گذاشته که نشان میدهد شورشیان صرف یک انگیزه دارند که آنها صرف مخالفت با حمله و اشغال است. طوریکه آنها می بینند، وظیفه قیام کنندگان این است که قوای بیگانه را از سرزمین خود برانند. صرف نظر از توجیه، این فقط همیشه انگیزه ای است و خواهد بود که مقاومت را علیه اشغال تحریک میکند. قوای اشغالی از دموکراسی و انتخابات آزاد صحبت می کنند. اما اگر برنده انتخابات شخصی باشد که به هدایات آنها تن در ندهد، در آن وقت نتیجه انتخابات را نفی می کنند. طرفداران خریداری شده و فروخته میشوند. دشمنان سیاسی منحیث تروریست به اشغالگران فروخته میشوند، طوریکه شاهد شکار انعام و بخشش ائتلاف شمال در افغانستان بودیم.

لاکن جدی ترین مشکل بی اعتنائی عمدی به تلفات مردم ملکی است که اکثراً "خسارهء جانبی" یاد میگردد. از ماه اکتوبر سال ۲۰۰۱ بدینسو، پوهنتون نیو همشایر و پوهنهی طب بلومبرگ تلفات مردم ملکی افغان را حساب مورد شمارش قرار داده اند. تعداد حالا از ۱۰۰۰۰۰ هزار گذشته است. اکثر این تلفات ناشی از حملات هوایی است که به اساس حرف افراد که وفاداری دو جانبه داشته و یا اینکه خصومت شخصی و تصفیه حساب با یک قریه و یا یک شخص دارند، صورت میگیرد. حملات رعد آسا که به امتداد سرحدات استعماری ۱۸۹۳ که پشتون ها را بین افغانستان و پاکستان تقسیم نمودند، به قتل عام کشتار همگانی مبدل شده است. پشتون های فقیر در مقابل قوای غارتگر امریکا و ناتو که وحشتناکترین اسلحه را مانند بم های ناپالم، بمب های ترمو بارک، مواد منفجرهء پطرولی و فاسفورس سفید با خود آورده و آنها را علیه مردم ملکی استعمال میکنند، ناتوان اند. این سلاح ها نه تنها در پروتوکال بین المللی ممنوع شده است، بلکه نزدیکی آنها به مراکز نفوس مردم ملکی اصلاً قابل قبول نیست. استفاده از چنین سلاح ها به حکم جنایت جنگی تحت کنوانشن جینوا است.

افغانستان به امریکا نه حمله کرده و نه توان حمله به امریکا را داشت. تجاوز امریکا بر افغانستان مغایر ماده ۵۱ کنوانشن جینوا است. جنگ امریکا با افغانستان بر حسب معیار نورمبرگ "جنگ تجاوز" است. این عمل نشاندهنده بی اعتنائی و بی احترامی امریکا به حقوق بین الدول است. ما این نوع روش مغولی را قبلاً در تاریخ دیده ایم. مرتکبین این جنایات روحیه اخلاقی خود را از دست داده و ذریعهء مورخین آینده به نیکی یاد نخواهند شد. امریکا باید بداند که کسانی که با غرور امپراطوری مخالفت می ورزند، القاعده و حتی طالبان نیستند بلکه مردم عادی اند که فامیل های آنها از ۳۰۰۰۰ هزار فت دور کشته شده اند. این کشتار ها بخاطر این صورت گرفته است که این مردم در یک تجمع و یا مجاورتی دیده شده اند که اشتباه فعالیت شورشیان می رود. برای اینکه ذهن و قلب مردم را تسخیر نمائیم،

ماباید از کشتن اطفال یکدیگر اجتناب نمائیم. وقتیکه يك طفل، زن و مرد بیگناه کشته میشود، آیا حرف های پوچ و بی معنی بوش در باره آوردن دموکراسی و آزادی به افغانستان کدام معنی دارد؟ البته که نه! برای هر بیگناهی که کشته میشود، تعداد زیاد دیگر بر ضد کشتار قیام خواهند کرد.

جنگ با ترور يك حيله و فریب است که بر اشتها و عطش غیر قابل رفع کورپوریشن های امریکائی برای تیل و گاز و توسعه بازار اسلحه برای فروش بی بند و بار و خلاف وجدان، استوار است. کسی نمیتواند بخاطر تاکتیک به جنگ مبادرت ورزد. این حالت بایست لاکهیت - مارتن، ریتون، جنرال ایلکتریک، مارتن - مریتا و غیره را ثروتمند سازد. حتی اگر جنگ با ترور و به محکمه کشانیدن شخص برای امریکا خوب باشد، آیا این موثریت خواهد داشت؟ اطفال هر دو جانب در دور تسلسل خشونت و خشونت و علیه خشونت گیر می آیند.

راه حل بحران افغانستان، قبرستان امپراطوری ها، این است که اشغالگران به زودترین فرصت این کشور را ترك گویند. مردم افغان حق دارند که به آینده خود تصمیم بگیرند. امریکا باید بداند که همه پشتون ها طالبان نبوده و همه طالبان القاعده نیستند. افغان ها از کمتر نبودن علوفه جالوت خسته شده اند. امپراطوری ها می آیند و میروند. همهء اینها طمع به ثروت و سرزمین دیگران دوخته اند. همهء اینها خون مردم بیگناه را ریخته اند و همه در زباله دان تاریخ رفته اند. امریکا باید بداند که صرف ارسال عسکر بیشتر تنها راه حل کامل نیست. طوریکه زبگنیو برزنیسکی، مشاور امنیت ملی سابق امریکا در ماه جولای ۲۰۰۸ هشدار داد. ارسال بیشتر عساکر امریکائی همراه با تلفات بیشتر مردم ملکی، باعث خواهد شد که قسمت اعظم جامعه افغانی امریکائیان را منحيث متجاوزین ببینند به همان نحویکه قوای شوروی را برای يك مدت محدود ۱۹۷۹ - ۱۹۸۹ مشاهده کردند. بخاطر بشریت، جامعهء افغانی از امریکا میخواهد که با مقاومت افغان داخل مذاکره شده و راه حل دیپلماتیک برای بحران افغانستان بیابد. با اینکار، امریکا هویت خود را به حیث ملت قانون شناس و گهواره آزادی باز خواهد یافت.